

فصلنامه فلسفه و کلام اسلامی آینه معرفت

دانشگاه شهید بهشتی، تابستان ۹۰

Research Journal of Islamic Philosophy and  
Theology of Shahid Beheshti University

## ماهیت ایمان از دیدگاه ابن عربی و کی‌یر کگور

سیدیدالله یزدان پناه \*

احمد رزمخواه\*\*

چکیده

متفکران حوزه‌های گوناگون در باره ایمان و سرشت آن به بیان دیدگاه‌های خود پرداخته و گاه نظریاتی در مقابل یکدیگر ابراز کرده‌اند. مقایسه و تطبیق این دیدگاه‌ها و بررسی آنها می‌تواند به روشنگری در باب ایمان کمک کند. در این جستار ماهیت ایمان از دیدگاه ابن عربی، از حوزه اسلامی و پدر عرفان نظری و کی‌یر کگور از حوزه مسیحیت بررسی و مقایسه می‌شود. در باب ماهیت ایمان، دیدگاه‌های معرفت‌گرایانه، تصدیق‌گرایانه، عمل‌گرایانه و ... از سوی اندیشمندان اسلامی و دیدگاه‌های گزاره‌ای، پدیدارشناسانه و اراده‌گرایانه و ... از سوی متفکران غربی مطرح شده است. ابن عربی براساس مبنای واقع‌گرایی نگاهی معرفت‌گرایانه و تصدیق‌گرایانه به ایمان دارد و ایمان حقیقی را ایمان قلبی پیش و پس از شهود می‌داند، گرچه ایمان پس از شهود را از استحکامی ویژه برخوردار می‌داند.

\* استاد پژوهشگر حوزه علمیه قم

\*\* دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی - مبانی نظری اسلام، دانشگاه باقر العلوم علیه السلام

ahmad.Razmkhah@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۰/۱/۲۵ تاریخ پذیرش: ۹۰/۷/۳۰

کی یر کگور با مباحثی چون شکاکیت فلسفی و غیر واقعی دانستن متعلقات ایمان، نگاهی معرفت ستیزانه و اراده گرایانه به ایمان دارد و ارکان آن را اراده، خطرپذیری و تحمل انواع رنج‌ها قلمداد می‌کند.

واژگان کلیدی: ایمان، معرفت، تصدیق، ابن عربی، اراده، کی یر کگور.

مقدمه

ایمان و نقش آن در زندگی فردی و اجتماعی بر کسی پوشیده نیست. پژوهش در این حوزه و آشنایی با زوایای مختلف آن، ضرورتی همیشگی است. با اندکی پژوهش در باره ایمان دیدگاه‌های فراوان و گاه ضد و نقیض خود را نمایان می‌سازند و پژوهشگر این عرصه را به تأملی جدی وامی‌دارند.

ماهیت ایمان، آثار، لوازم و پیامدهای آن، متعلقات ایمان، رابطه ایمان با سایر حوزه‌ها به ویژه ربط و نسبت آن با عقل و مسائلی از این قبیل همواره گفتگو برانگیز بوده و ذهن پژوهشگران را به سوی خود جلب کرده است. ایمان و گستره فراخ دامن آن ما را بر آن می‌دارد تا نخست به تحدید این مسئله پردازیم و پس از آن فعالیت پژوهشی را آغاز کنیم. یکی از راه‌های پیش رو برای تعیین حدود ایمان، بررسی آرای صاحب‌نظران، غور در آنها و تطبیق‌شان با یکدیگر به منظور روشن شدن زوایای ایمان است. بررسی مقایسه‌ای این مسئله از دیدگاه ابن عربی و کی یر کگور که هر یک به حوزه‌ای خاص تعلق دارند از جمله راهکارهای پیشنهادی برای روشنگری در باب ایمان است. عارف نامی مسلمان، ابن عربی و متفکر عارف پیشه، کی یر کگور هر یک چه آرای در باب ایمان ابراز کرده‌اند؟ چه نقاط اشتراک یا احیاناً افتراقی میان آنان در این بحث سرنوشت ساز وجود دارد و متناسب با این جستار هر کدام چگونه در باب ماهیت ایمان می‌اندیشند.

تطبیق و مقایسه آراء ابن عربی و کی یر کگور در باره ماهیت و سرشت ایمان یکی از موضوع‌هایی است که می‌تواند به روشنگری در باب ایمان کمک کند و راه را برای پژوهش‌های گسترده‌تر بگشاید. در اینجا نخست با واژه‌شناسی ایمان و پس از آن با نظریات گوناگون متفکران اسلامی و غربی آشنایی صورت می‌گیرد و در پی آن نظریه ابن عربی و کی یر کگور در باره ماهیت ایمان بیان می‌شود.

## ایمان در لغت

ایمان مصدر باب افعال از مادهٔ امن به معنای آرامش است. امن به حالت اطمینان نفسی و قلبی گفته می‌شود که ریشه در اعماق وجود انسان دارد (خلیل بن احمد، ص ۳۸۸؛ جوهری، ص ۲۰۷؛ ازهری، ص ۵۱۴). «آمن» یعنی در امنیت قرار گرفت و «آمنه» یعنی ایجاد امنیت و آرامش برای کسی فراهم کرد. معنای دیگر ایمان تصدیق است که همین معنا مورد اتفاق عالمان علم لغت است. البته این معنا را نیز می‌توان به همان معنای نخست برگرداند؛ چه اینکه شخص با تصدیق که در فارسی به آن گرویدن گفته می‌شود، برای خود آرامش ایجاد می‌کند و بدین وسیله احساس امنیت به او دست می‌دهد. (ابن فارس؛ ابن منظور؛ طریحی؛ راغب اصفهانی؛ معلوف؛ ذیل مادهٔ امن). بنابراین می‌توان گفت واژهٔ ایمان بر اساس معنای لغوی با آرامش و اطمینان نفسی و قلبی گره خورده و مؤمن کسی است که از نوعی آرامش برخوردار است.

Faith (ایمان) در لاتین دارای دو ریشهٔ لغوی است:

الف. Fiducia بر این اساس، ایمان نوعی حالت روحی به شمار می‌رود.

ب. Fides در این صورت، ایمان از سنخ معرفت و علم و آگاهی خواهد بود (Hick, p.65).

واژهٔ Faith برای نخستین بار در سال ۱۵۵۱ و با تأثیرپذیری از تقریر کلیسایی - مسیحی به معنای اعتقادی به کار رفت که ناشی از اعتماد به چیزی است (رضایی، ص ۳۲).

## ایمان در اصطلاح

اصطلاح ایمان در نزد هر یک از متکلمان، فیلسوفان و عارفان مسلمان معنای خاص خود را دارد. نگاه بیشتر متکلمان اسلامی به ایمان، تصدیق گرایانه است. از نظر آنان ایمان عبارت است از تصدیق و اذعان قلبی به خداوند، پیامبر و معاد، البته برخی علاوه بر تصدیق قلبی، عمل جوارحی و اقرار زبانی را به تصدیق ضمیمه کرده‌اند.

اما از دیدگاه حکما می‌توان به آنچه در حکمت متعالیه آمده است اشاره کرد. از نظر ملاصدرا ایمان حقیقی علم به مبدأ و معاد دانسته شده است. علم به مبدأ، معرفت صفات و افعال و آثار الهی است و علم به معاد، معرفت نفس، قیامت و نبوت می‌باشد (شیرازی، ص ۲۲).

اما آنچه از عارفان مسلمان در باب ایمان به اختصار در اینجا می‌توان گفت آن است که ایشان ایمان را به ایمان علمی و و ایمان عینی تقسیم می‌کنند. ایمان عینی زائیده تجلی شهودی است (خوارزمی، ص ۷۲۳، ۶۷۰، ۴۶۷، ۴۶۴، ۴۶۱). عده‌ای از عرفا، نیز ارادت و عشق والتزام و یقین را از عناصر ماهوی ایمان قلمداد کرده‌اند (فرغانی، ص ۲۷۸، ۱۲۴).

نگاهی به دیدگاه‌ها در ماهیت ایمان

متفکران اسلامی و غربی در باره ماهیت ایمان به اظهارنظرهایی پرداخته‌اند. دیدگاه اندیشمندان اسلامی در باب ایمان به معرفت گرایانه، لفظ گرایانه عمل گرایانه و تصدیق گرایانه قابل تقسیم است. در نگاه معرفت گرایانه ایمان، همان معرفت دانسته می‌شود. معرفت ماهیت ایمان را تشکیل می‌دهد و هر چیزی جز علم و معرفت از ماهیت ایمان خارج است (اشعری، مقالات الاسلامیین، ص ۱۹۷ و ۱۹۸؛ شهرستانی، ص ۱۲۹؛ حلی، ص ۳۶۷؛ تفتازانی، ص ۱۷۷).

از میان متکلمان عده‌ای به نام کرامیه (اشعری، مقالات الاسلامیین، ص ۲۰۵). اقرار زبانی را ایمان تلقی کرده‌اند. آنان ماهیت ایمان را از یک امر قلبی به امری زبانی و لفظی تقلیل داده‌اند، اما عمل گرایان در باب ماهیت ایمان به سه گروه تقسیم می‌شوند: معتزله ماهیت ایمان را همان عمل دانسته‌اند (معتزلی، ص ۴۷۸). اهل حدیث با تأکید کمتر در مورد دخالت عمل در ایمان اظهار نظر کرده‌اند. اما خوارج با اینکه اولین کسانی بودند که برای عمل در ماهیت ایمان نقش قائل شدند، نحوه اظهار نظر آنان در باره کفر بود و با ملازمه، نظر آنان را در باره ایمان می‌توان به دست آورد. خوارج ترک عمل را معادل کفر دانستند (اشعری، مقالات الاسلامیین، ص ۱۵۷؛ بغدادی، ص ۵۰)، اما تصدیق گرایان ماهیت ایمان را همان تصدیق می‌دانند تصدیق همان اذعان قلبی است که باعث رضایتی عمیق و آرامش در انسان می‌شود. از نظر تصدیق گرایان، عمل نقشی در ماهیت ایمان ندارد. این نظریه در میان اشاعره رواج دارد (اشعری، اللمع، ص ۱۸۰؛ معتزلی، ص ۴۷۹؛ تفتازانی، ص ۱۷۵ و ۱۸۱؛ جرجانی، ج ۸، ص ۳۲۲ و ۳۲۳) و بسیاری از متکلمان شیعی نیز همین نظریه را برگزیده‌اند (حلی، انوار الملکوت، ص ۱۷۹، علم الهدی، ص ۵۳۶؛ شیخ طوسی، تمهید الاصول، ص ۲۹۳؛ الاقتصاد، ص ۲۲۷، التبیان، ص ۴۱۸، الرسایل العشر، ص ۱۰۳؛ بحرانی، ص ۱۷۰؛ سیوری حلی، ص ۳۹۳؛ جبعی عاملی (شهید ثانی)، ص ۸۹؛ لاهیجی، ص ۱۶۴).

اما نظریات متفکران غربی در باب ایمان به سه دسته قابل تقسیم است:

۱. نظریات گزاره‌ای: این نظریات ایمان را باور به گزاره‌هایی می‌دانند که از طریق پیامبر خدا به بشر رسیده و در کتاب مقدس گردآوری شده است. آکویناس، تنانت و مذهب کاتولیک جدید از نمایندگان این طرز تفکر به شمار می‌آیند.

۲. نظریات اراده‌گرایانه: این نگرش ایمان را امری ارادی و اختیاری قلمداد می‌کند و دلیل آن را عدم دسترسی به دلیل می‌داند. از نمایندگان این گروه می‌توان به پاسکال و ویلیام جیمز اشاره کرد. در اینکه آیا کی‌یر کگور نیز در بحث ایمان اراده‌گرا محسوب می‌شود یا خیر در مباحث آتی به آن پرداخته خواهد شد.

۳. نظریات پدیدارشناسانه: براساس این دیدگاه ایمان، نوعی تجربه بشری به حساب می‌آید. پل تیلش، رودلف اوتسو، مارتین بوبر از این گروه‌اند (Hick, p.9-65؛ فعالی، ص ۱۳۷ - ۸۳؛ جوادی، ص ۵۴ - ۲۰).

پس از آشنایی با نظریات متفکران اسلامی و غربی در باب ایمان اکنون دیدگاه ابن عربی و کی‌یر کگور در این باره بیان می‌شود.

#### دیدگاه ابن عربی

در اینکه ابن عربی به ایمان چگونه می‌نگرد و ماهیت آن از دیدگاه وی چیست با نگاهی اجمالی به عبارات وی در فتوحات در بادی امر چنین به نظر می‌رسد که وی نگاهی تصدیق‌گرایانه یا معرفت‌گرایانه به ایمان دارد.

#### تعریف ایمان از دیدگاه ابن عربی

برای آگاهی از تعریف ایمان از دیدگاه ابن عربی آوردن جملاتی از وی ضروری به نظر می‌رسد:

او گاه می‌گوید: «الایمان تصدیق... والایمان اعتقاد» (ابن عربی، الفتوحات المکیه، ج ۴، ص ۷۳) و در جای دیگر می‌نویسد: «تولاهم الله بالایمان الذی هو القول والعمل والاعتقاد حقیقه الاعتقاد شرعاً و لغه و هو فی القول والعمل شرعاً لالغه فالمؤمن من کان قوله و فعله مطابقاً لما یعتقده فی ذلک الفعل» (همان، ج ۲، ص ۲۶، ۲۷) و در ادامه می‌آورد.

... فعلماً ان الايمان خصوص وصف و هو التصديق تقليداً من غير دليل لنفرق بين الايمان والعلم» (همان، ص ۲۷) او در جای دیگر ایمان را عین طهارت باطن معرفی می‌کند. «انه لما كان الايمان عين طهارة الباطن...» (همان، ج ۱، ص ۳۳۶).

و در همین باره می‌نویسد:

و هو [الايمان] الطهارة الباطنه النافعه المنجية من التخليد في النار (همان، ج ۱، ص ۳۶۱).

و در همین زمینه آمده است:

الايمان عين طهارة الباطن (همان، ج ۱، ص ۵۵۳، ۳۳۶).

ابن عربی در جای دیگر ایمان را علمی ضروری می‌داند که مؤمن آن را در دل خود می‌یابد و توان دفع آن را ندارد. «فالايمان علم ضروري يجده المومن في قلبه لا يقدر على دفعه» (همان، ج ۲، ص ۲۵۹).

و باز در همانجا ایمان را نوری می‌داند که خداوند در دل هر کس از بندگانش که بخواهد می‌افکند (همانجا).

در فتوحات گاهی ایمان را به طور صریح نور دانسته است: «ان الايمان نور شعشعاني» (همان، ج ۲، ص ۹۸).

جملات یاد شده از ابن عربی گویای آن است که ابن عربی ایمان را همان تصدیق می‌داند و از این جهت او را باید در زمره تصدیق‌گرایان در بحث ماهیت ایمان قلمداد کرد. اما عباراتی چون «الايمان نور شعشعاني» یا «الايمان علم ضروري» که ایمان را نور یا علمی ضروری می‌داند که شخص توان دفع آن را ندارد، از این جهت او به نظریه معرفت‌گرایان نزدیک می‌شود و البته چنانکه در ادامه نیز روشن تر خواهد شد، نقش معرفت و مراتب گوناگون آن در ایمان از نظر ابن عربی، نقشی بی‌بدیل است، اما آنجا که ابن عربی معتقد است قول و فعل مؤمن باید با آنچه را باور دارد مطابق باشد، از این گونه عبارات‌ها نیز می‌توان اعتقاد ابن عربی را به التزام قلبی به عمل عنداللزوم در ایمان ثابت کرد. از این رو به طور خلاصه می‌توان ایمان را از دیدگاه ابن عربی چنین تعریف کرد: «تصديقي که بر معرفتی عمیق استوار است و التزام قلبی به عمل عنداللزوم را به همراه دارد».

## اقسام ایمان

ابن عربی تقسیماتی را گاه به طور صریح و گاه غیر صریح برای ایمان بیان کرده است که آشنایی با هر یک می‌تواند نظرات او را در مبحث ایمان وضوح بیشتر بخشد. او ایمان را در یک تقسیم بر دو قسم می‌داند:

۱. ایمان به واسطه برهان (ایمان برهانی؛ ۲. ایمان به واسطه تحقق در قلب (ایمان قلبی).

## ایمان برهانی

ایمانی که با دلیل و برهان و استدلال برای انسان حاصل می‌شود ایمان برهانی نامیده می‌شود که ابن عربی آن را مهم ولی جداً ناکافی می‌داند؛ زیرا چنین ایمانی در معرض انواع شبهات قرارداد و ممکن است زائل گردد. چنانکه پیش از این نیز در بخش انواع معرفت از دیدگاه ابن عربی اشاراتی صورت گرفت وی برای عقل نیز نورانیت قائل است. اما نباید به این نور اکتفا کرد، چنین نوری انسان را به ایمانی می‌رساند که می‌بایست با مراقبت‌های قلبی و با یاری پروردگار آن را به ایمان قلبی رساند. ابن عربی در این زمینه یاد آور می‌شود که کامل از اهل الله نور عقلش را در نور ایمانش مندرج می‌سازد (همان، ج ۳، ص ۴۵۱).

اگر کسی به ایمان برهانی اکتفا کند از نظر ابن عربی او به ایمان واقعی دست نیافته است. وی در این زمینه به صراحت می‌گوید: «فمن تأول فایمانه بعقله لابی» کسی که به تأویل پردازد (و عقل خود را ملاک قرار دهد) پس ایمان او به عقل خود است نه به من (خدا) که این امر به روشنی گویای آن است که وی معتقد است انسان نباید به چنین حدی بسنده کند بلکه باید خود را به آن مقام والا برساند.

همچنین ابن عربی برای انسان مقامی فوق‌طور عقل قائل است (همان، ج ۴، ص ۱۶۸).

## ایمان قلبی

ایمان قلبی به ایمانی گفته می‌شود که در قلب انسان جای می‌گیرد. تحقق چنین ایمانی در دل انسان عنایتی الهی است و چون این گونه است قابل اعتماد می‌باشد و این برخلاف آن ایمانی است که انسان با دلیل و برهان به آن دست یافته است و در معرض انواع

شبهات قرار دارد و زایل شدنی است. ابن عربی از ایمان قلبی با تعبیراتی چون نور، طهارت باطن و علم ضروری یاد می‌کند (همان، ج ۲، ص ۲۵۹، ۹۸؛ ج ۱، ص ۳۳۶).  
ایمان قلبی به نوبه خود به ایمان قلبی قبل از شهود و ایمان قلبی بعد از شهود تقسیم می‌شود و به عبارت بهتر می‌توان ایمان قلبی را دارای دو مرتبه دانست مرتبه اول، ایمان قلبی پیش از شهود و مرتبه دوم ایمان قلبی پس از شهود.  
ابن عربی آورده است:

مؤمن بر دو گونه است، مؤمنی که او را دیده‌ای است که با آن دیده از نوری برخوردار می‌باشد هنگامی که آن نور با نور ایمان جمع شود، مؤمن امور غیبی را که متعلق ایمانند ادراک می‌کند و دیگری مؤمنی است که دیده او جز از نور ایمان برخوردار نیست و او با همان دیده به خداوند و غیر او می‌نگرد.

الف. ایمان قلبی پیش از شهود

ایمان قلبی با بیانی که گذشت مقدم بر سلوک عرفانی و دستیابی به کشف و شهود است. انسان با تکیه بر ایمان قلبی و با عنایات الهی می‌تواند به ایمان شهودی دست یابد. ابن عربی در این زمینه می‌گوید:

هر کس مورد عنایت الهی قرار گیرد، خداوند پیش از آنکه او را برگزیند، از علوم نظری ننگه می‌دارد و برای خویش او را می‌سازد و بین او و طلب علوم نظری حائل می‌گردد و به او ایمان به خداوند و به آنچه از سوی او بر زبان رسول خدا جاری گشته، روزی می‌فرماید (همان، ج ۳، ص ۴۰۲).

انسان تا به مرحله شهود دست نیافته باشد هنوز حجاب‌هایی وجود دارند که مانع از دستیابی انسان به حقیقت می‌گردند. با رفع این حجاب‌ها سالک به مرتبه ایمان شهودی دست می‌یابد. ابن عربی در این زمینه آورده است.

بنده با آنچه دارد به سوی خداوند باز می‌گردد، اگر این بازگشت با حجاب‌هایی همراه باشد شخص از ایمان غیر شهودی برخوردار است اما اگر حجاب‌ها برداشته شده باشد او از ایمان شهودی برخوردار می‌باشد (همان، ج ۴، ص ۱۲۷).



ب. ایمان قلبی پس از شهود (ایمان شهودی)

ابن عربی شهود را عنایتی از سوی خداوند دانسته است که در نتیجه ایمان و بینشی که خداوند به انسان داده، حاصل می‌شود: «والشهود عنایه من الله اعطاها ایانا نور الایمان الذی انار الله به بصائرنا» (همان، ج ۳، ص ۵۲۵).

ابن عربی از انبساط نور ایمان بر وجود انسان سخن می‌گوید که انسان از راه کشف و شهود بر آن آگاهی می‌یابد و با واسطه تقوای الهی به مرحله‌ای از علم و آگاهی دست می‌یابد و می‌تواند تمایز میان علوم گوناگون، مراتب و تام و اتم بودن هر یک را تشخیص دهد. آنان به فرقان دست یافته‌اند. آنان همان مؤمنان با تقوا و عالمان کشف و شهودند.

ابن عربی در این زمینه آورده است:

هنگامی که مؤمنان به علم و ایمان دست می‌یابند و نور ایمان همه مراتب و مقامات وجودی آنان را فرا می‌گیرد؛ آنان از راه کشف و وجود به درک آن مقامات و مراتب نائل می‌آیند؛ نور ایمان، نفوس آنان را فرا می‌گیرد و در این هنگام بدون هیچ گونه تردید خود و خدای خود را می‌شناسند و کارهای خود را براساس تقوای الهی انجام می‌دهند و خداوند به آنان فرقان و قدرت تشخیصی عنایت می‌کند که به وسیله آن علوم خبری، علوم نظری و علوم حاصل از تقوا را از یکدیگر باز می‌شناسند و تام و اتم بودن (و نقص و کمال) هر یک را تشخیص می‌دهند (همان، ص ۴۰۱).

ابن عربی در جای دیگر در باره ایمان بعد از شهود می‌گوید:

اهل کشف و وجود همانند دیگر مؤمنان ایمان می‌آورند. سپس حدود الهی را مراعات می‌کنند و تقوا پیشه می‌سازند؛ در این هنگام خداوند برای آنان فرقان و قدرت تشخیصی قرار می‌دهد که میان نسبت احکام الهی به خداوند و نسبت آن به مخلوقین تمایز قائل می‌شوند و با علم ضروری به مشاهده معانی آن احکام نائل می‌گردند (همان، ص ۴۸۴).

و در جای دیگر بیان می‌کند:

اهل کشف و شهود همان مؤمنان با تقوایی هستند که خداوند برای آنان فرقانی قرار داده است که با آن گفته‌های اهل نظر و خبر را در باره خداوند و نیز حق و باطل بودن تجلیات قلبی خود را تشخیص می‌دهند؛ تمام این‌ها با کشف و شهود برای آنها معلوم است (همان، ص ۴۰۲).

حاصل سخن آنکه ابن عربی در بحث ایمان تصدیق‌گرایی است که همزمان ایمان را بر معرفت استوار می‌بیند و التزام قلبی به انجام را جدای از ایمان نمی‌داند. تقسیمات ایمان به نظری و قلبی و تقسیم ایمان قلبی به قبل از شهود و بعد از شهود همگی به گونه‌ای گویای درجات مختلف ایمان از نظر ابن عربی است و از سخنان او چنین برداشت می‌شود که ایمان حقیقی، همان ایمان قلبی است که پیش و پس از شهود حاصل می‌شود البته ایمان پس از شهود استحکام ویژه خود را دارد.

اما آیا انسان با عقل خویش می‌تواند متعلق ایمان را بشناسد و به آن ایمان آورد؟ جواب این پرسش از دیدگاه ابن عربی قطعاً مثبت است ولی او این مرحله را مرحله نازلی از ایمان می‌داند و انسان باید تلاش خود را برای رسیدن به مرحله ایمان قلبی و مراحل بعدی هم چنان ادامه دهد و همواره از خداوند بخواهد که او را به مراتب بالای ایمان برساند. تا اینکه به مرحله‌ای دست یابد که دیگر خطر از دست دادن ایمان وجود نداشته باشد.

از آنچه گذشت همچنین روشن شد که ابن عربی ایمان را عنایت پروردگار می‌داند که شخص مؤمن مورد توجه خداوند قرار می‌گیرد و نیز ایمان نوری است که در قلب مؤمن واقع می‌شود و باید تمام سعی و تلاش مؤمن با رعایت تقوا آن باشد که از عنایت الهی دور نگردد و نگذارد این نور در دل و جان او کم فروغ گردد و یا به خاموشی گراید.

دیدگاه کی‌یر کگور در ماهیت ایمان  
با دقت در سخنان کی‌یر کگور می‌توان برای دیدگاه وی در باره ایمان پیش فرض‌هایی را جست که براساس آن‌ها، دیدگاه وی قابل تبیین تر خواهد گردید. شکاکیت فلسفی، غیر واقعی دانستن ایمان و تقدم ایمان بر معرفت از آن جمله‌اند.

الف. شکاکیت فلسفی

از دیدگاه کی‌یر کگور ایمان و شکاکیت به خوبی با یکدیگر قابل جمع هستند (Geivttand, p.18,331). برای رسیدن به ایمان باید از عقلانیت دست برداریم. او معتقد است ایمان برآمده

از شك است و این شك هیچ گاه قابل از بین رفتن نیست. او جهشی را پیشنهاد می کند که در تاریکی اتفاق می افتد با این احتمال که خدایی وجود دارد. ایمان از نظر او در جایی است که شخص زندگی را آغاز می کند نه جایی که قصد به پایان رساندن آن را دارد و در اینجاست که خطی به همراه شك ترسیم می شود (کی یر کگور، ص ۲۰، مقدمه مترجم انگلیسی).

به اعتقاد کی یر کگور برای رسیدن به ایمان باید از یقین دوری جست. ایمان و یقین با یکدیگر ناسازگارند. از نظر او دین نه تنها بی یقینی آفاقی است بلکه باید نامعقول باشد، پس از آشکار شدن کامل نامعقولیت دین، پرشورترین تلاش ممکن برای ایمان آوردن آغاز می شود.

#### ب. ایمان امری غیر واقعی

یکی از مسائل بحث برانگیز در باره ایمان واقعی یا غیر واقعی بودن آن است. در این باره دو تلقی از ایمان وجود دارد: در تلقی اول ایمان امری واقعی است (دیدگاه واقع گرایانه). براساس این تلقی ایمان حاکی از واقعیت است. خدایی عینی، جهانی دیگر و برتر، زندگی پس از مرگ و ... وجود دارد (کیویت، ص ۲۷) و انسان به آنها مؤمن می شود.

تلقی دیگر (دیدگاه غیر واقع گرایانه) آن است که اعتقادات دینی توصیف امور واقعی نیستند، آنها باورهای اخلاقی و رهنمودهایی برای زندگی اند. آنها را باید دستوراتی برای اعمال خود بدانیم (همان، ص ۲۸)، براساس این تلقی نباید به دنبال اثبات خدایی عینی برآمد و آن را واقعی قلمداد کرد و بر وجود او به استدلال پرداخت.

کی یر کگور را باید از معتقدان به تلقی دوم برشمرد. او با محور قرار دادن انسان در بحث ایمان و شکاکیت در حوزه دین، ایمان را امری واقعی نمی داند. از این رو هیچ گاه در پی اثبات و آوردن استدلال بر وجود عینی خداوند بر نیامده است. دان کیویت در بیان دیدگاه کی یر کگور می نویسد:

حقیقت دینی، امر واقع عینی نیست، بلکه تملک آن چیزی است که بدان عمل می کنیم، کی یر کگور این مضمون را گامی جلوتر می برد، چون دیدگاه کلی او مانع عینیت در دین است (همان، ص ۳۰۰).

#### ج. تقدم ایمان بر معرفت

دیدگاه تقدم ایمان بر معرفت ریشه در سنت مسیحیت غربی دارد، جملاتی مانند «ایمان می آورم تا بفهمم» یا «ایمان بیاور تا بفهمی» که آنسلم قدیس (۱۰۳۳ - ۱۱۰۹) شعار خود ساخته بود، اشاره به این معنا دارد (Suvage, Vol 7, p.9-68). اما ایمان‌گرایی که بزرگ‌ترین منادی آن کی‌یر کگور است با اصالت دادن به ایمان و تجربه درونی به طور صریح ایمان را بر معرفت مقدم دانسته است.

کی‌یر کگور دقیقاً از آن رو که هرگونه معرفتی را به خداوند و سایر متعلقات ایمان نفی می‌کند، بحث ایمان را پیش می‌کشد. از نظر او اگر بتوان به خداوند معرفت پیدا کرد و او را به عنوان موجود عینی شناخت، دیگر ایمان معنا ندارد، درست به خاطر عدم وجود چنین معرفتی، ایمان باید آورد (پترسون و دیگران، ص ۸۰) و این سخن دقیقاً به معنای تقدم ایمان بر معرفت در اندیشه کی‌یر کگور می‌باشد.

ارکان ایمان از دیدگاه کی‌یر کگور از سخنان کی‌یر کگور این چنین برمی‌آید که وی سه رکن یا عنصر برای ایمان قائل است که با فقدان هر کدام یکی از ارکان ایمان فرو ریخته، چیزی از ایمان باقی نخواهد ماند.

#### الف. خطر کردن

خطر کردن یکی از ارکان مهم ایمان است که کی‌یر کگور تأکیدی ویژه بر آن دارد. به بیان وی:

بدون خطر کردن، ایمانی در کار نیست... اگر بخواهم خویشتن را در وادی ایمان ایمن دارم باید همیشه در آن عدم یقین عینی در آویزم تا در ژرفای آب، در عمقی ژرف‌تر از هفتاد هزار فاتوم باز هم ایمانم ایمن بماند (همانجا).

خطر کردن را می‌توان با مثالی روشن چنین توضیح داد. فرض کنید کسی را که انسان به او عشق می‌ورزد در آستانه مرگ قرار گرفته است. شخص می‌تواند کلیه خود را به او اهدا کند در این صورت پنجاه درصد احتمال دارد او زنده بماند. حال آیا انسان حاضر است چنین خطری را متحمل شود. اکنون اگر احتمال زنده ماندن او پنج درصد باشد آیا باز هم حاضر به خطر کردن و اهدای کلیه خواهیم بود (لگنهاوزن، ص ۱۰۹). کی‌یر کگور می‌خواهد بگوید انسان مؤمن باید همیشه حاضر به چنین خطر کردنی باشد. بدون چنین خطری، ایمانی نیز در کار نخواهد بود. این

راه پر از خطر و بی‌یاوری است و این مخالف آن چیزی است که توده مردم و کلیسا می‌پندارند. در زندگی براساس ایمان مسیحی نباید دنبال آرامش فکری آسان بود (پترسون و دیگران، ص ۸۱).

البته روشن است که چنین خطر کردنی بدون شور و عشق ممکن نیست. حال می‌توان مانند برخی شورمندی را ویژگی دوم به حساب آورد و یا خطر کردن همراه با شور و عشق را یک ویژگی به حساب آورد (همان، ص ۳۵) کی‌یر کگور پس از آنکه شور را آن چیزی دانسته است که در آن زندگی انسانی یکی و متحد می‌گردد گفته است «ایمان نیز یک شور است.» (Kierkegaard, p.76) او قهرمان ایمان را برخوردار از شور می‌داند (Ibid, p.87) و در جای دیگر می‌گوید: «ایمان والاترین و بالاترین شور در انسان است (Ibid, p.221).

ب. بها (تحمل رنج)

دومین عنصر ایمان که کی‌یر کگور بر آن تأکید می‌کند بها یا فداکاری یا تحمل رنج است. از نظر کی‌یر کگور آنچه به بهای اندک به دست می‌آید، ارزش اندکی نیز خواهد داشت. از آنجا که ایمان بیشترین حرمت و عمیق‌ترین احترام را می‌طلبد، باید آن را به بیشترین بهای ممکن به دست آورد.

از نظر کی‌یر کگور هر چه آدمی در سیر ایمان رنج بیشتری تحمل کند، شور و شوق بیشتری به نمایش می‌گذارد و اساساً در این مسیر، هر گونه رنجی جایگاهی مناسب برای خود می‌یابد و رنج بی‌جهت معنا ندارد.

کی‌یر کگور در اینجا مثال دختر جوانی را یاد آورد می‌شود که اسیر عشق است و حاضر است هر بهایی را در راه عشق خود نثار کند.

کی‌یر کگور معتقد است هر چه اهداف نامحتمل‌تر و نامعقول‌تر باشد، تحمل رنج افزایش می‌یابد. انسان در این هنگام شهامتی می‌یابد که با آن از کل دارایی دنیوی و زودگذر برای رسیدن به جاودانگی و ابدیت دست می‌کشد (Ibid, p.94). بر این اساس می‌توان گفت از نظر کی‌یر کگور یکی از ارکان ایمان آمادگی برای تسلیم کامل زندگی است.

ج. اراده

شاید مهم‌ترین ویژگی یا عنصر ایمان از دیدگاه کی‌یر کگور ارادی بودن آن باشد. ایمان از نظر او از سنخ معرفت نیست بلکه از سنخ اراده و تصمیم است. این اراده و تصمیم در دو رکن پیشین که از آنها یاد کردیم کاملاً وجود دارد. خطر کردن بدون اراده و تصمیم اتفاق نخواهد افتاد هم چنانکه فداکاری و تحمل رنج نیز جز با اراده و عزم قوی روی نمی‌دهد از سوی دیگر دل‌بستگی پرشور به یک باور تنها زمانی اتفاق می‌افتد که آن باور با قدرت عزم و اراده به وجود آمده باشد و نه آنکه صرفاً به طور طبیعی شکل گرفته باشد.

چنانکه برخی دانشوران آورده‌اند ایمان از دیدگاه کی‌یر کگور عبارت است از تصمیم‌گیری در وضعیت مبهم معرفتی که همراه خطر کردن است (جمعی از نویسندگان، (محسن جوادی و دیگران)، ص ۱۴۲) و نیز شاید بتوان ایمان را «خطر کردنی فداکارانه از سر اراده» قلمداد کرد. کی‌یر کگور نمونه‌ی اعلای چنین ایمانی را حضرت ابراهیم علیه السلام در ماجرای ذبح فرزند خود می‌داند، از نظر او کار ابراهیم علیه السلام کاری بر خلاف عقل و متناقض با دستورات اخلاقی بود. او در این ماجرا تن به خطر داد و فداکارانه از فرزند خود گذشت، حتی باورهای عقلانی خود و نیز التزامات اخلاقی را زیر پا گذاشت و از سر اراده به خداوند اعتماد نمود، او به جای اعتماد به منطق و اخلاق به خداوند اعتماد کرد و خداوند را برتر از هر چیز قرار داد. خداوند از او خواسته بود برای اثبات ایمانش دست به کاری غیر اخلاقی بزند و در این جاست که کشمکش میان منظر اخلاقی و منظر دینی کاملاً خود را نشان می‌دهد (لی اندرسون، ص ۱۱۷، ۱۶۳).

این چنین ایمانی به اتکا نامعقول (absurd) است؛ زیرا در اینجا خبری از محاسبات و پیش‌بینی‌های انسانی نیست. در اینجا نیروی اراده‌ای وجود دارد که کشتی شخص را آنقدر به سوی امواج سهمگین پیش می‌برد که دیگر درک و فهمی در کار نیست و با هر اندازه فشار که بر فرد وارد می‌شود جای شگفتی نخواهد بود (kierkegaard, P.36).

چنان که گفته شد ارادی قلمداد شدن ایمان متوقف بر آن است که مسلک اصالت اراده یا اراده‌گرایی (Voluntrationism) پذیرفته شود و کی‌یر کگور چنان که گفتیم بر این اساس حرکت کرده باشد. براساس ارکان ایمان از دیدگاه کی‌یر کگور که عبارت بود از خطر کردن، تحمل رنج و اراده می‌توان ایمان را چنین تعریف کرد: ایمان دل‌به‌دریا زدن و تصمیم به

دل‌بستن به حقیقت متعالی در وضعیت مبهم معرفتی که همراه خطر کردن و تحمل هرگونه رنج است.

بررسی و مقایسه

در مقایسه آراء ابن عربی و کی‌یر کگور در باب ماهیت ایمان توجه به نکته‌ای ضروری به نظر می‌رسد و آن یافتن دقیق آراء این دو اندیشمند در این مسئله است.

در اینکه کی‌یر کگور در باب ایمان، اراده گراست شک و تردیدی وجود ندارد. او ایمان را اراده و انتخابی می‌داند که در وضعیت مبهم و حتی ضد معرفتی صورت می‌گیرد و شخص آماده است انواع رنج‌ها را تحمل کند و هرگونه فداکاری را انجام دهد. از سوی دیگر سخنان ابن-عربی گویای آن است که وی در باب ماهیت ایمان به گونه‌ای خاص از تصدیق‌گرایی اعتقاد دارد. چه ایمان پیش از شهود و چه پس از آن و چه خود شهود، همه ماهیتی معرفتی دارند. تصدیق از مقوله معرفت است و معرفت نیز تصدیق را همراه خواهد داشت و نمی‌توان میان معرفت و تصدیق، از حیث ماهیت، تفاوتی شایان ذکر را مشاهده نمود. حتی می‌توان گفت معرفت‌گرایان نیز تصدیق را به دنبال معرفت می‌پذیرند. به بیان دیگر آنان معتقدند در بطن معرفت، تصدیق نهفته است و اساساً معرفت، هنگامی معرفت حقیقی است که به دنبال آن اذعان و تصدیق بیاید و غالباً نیز چنین است و چون در غالب موارد تصدیق به دنبال معرفت می‌آید، بنابر این معرفت‌گرایان نیازی به بیان آن ندیده‌اند. از سوی دیگر تصدیق‌گرایان نیز نمی‌توانند سخن از تصدیقی بگویند که بر معرفت استوار نباشد.

از سوی دیگر چه معرفت‌گرایان و چه تصدیق‌گرایان، نمی‌توانند از معرفت و اذعان قلبی به خداوند سخن بگویند که التزام قلبی به انجام عمل عنداللزوم را در پی نداشته باشد؛ حال چه لازمه این التزام سخن گفتن و قول خاصی باشد یا عمل ویژه‌ای که به دنبال معرفت و تصدیق باید به آن ملتزم بود.

از این رو، غالب متفکران مسلمان را می‌توان تصدیق‌گرایان معرفت‌گرا قائل به التزام قلبی به انجام عمل قلمداد کرد یا معرفت‌گرایان تصدیق‌گرا قائل به التزام قلبی به انجام عمل، به عبارت دیگر معرفت و تصدیق به همراه التزام قلبی همگی به یک حقیقت که همان ایمان باشد اشاره دارند.

ابن عربی نیز به نظر ما از این قاعده مستثنی نیست. او نیز همانند غالب اندیشمندان مسلمان، معرفت، تصدیق و التزام قلبی را همان ایمان و ایمان را نیز جز آنها نمی‌داند. البته ابن عربی، منشأ ایمان را عنایت الهی می‌داند و نور و طهارت باطنی قلمداد می‌کند که دارای مراتب گوناگونی است و هرچه ماهیت معرفتی آن تقویت گردد، مراتب آن بالاتر می‌رود. با حصول معرفت کشفی و شهودی و بالاتر از آنها معرفت و حیانی، ایمان در بالاترین درجه خود قرار می‌گیرد. براساس آنچه گفتیم، دو دیدگاه ابن عربی و کی‌یر کگور در بحث ماهیت ایمان کاملاً در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند، زیرا کی‌یر کگور درست پس از آنکه بُعد معرفتی ایمان را نادیده می‌گیرد به افراد توصیه می‌کند با قدرت اراده، خویشتن را در وادی ایمان، بیفکنند. آنها چاره‌ای جز این ندارند و هرگز نباید به جستجوی معرفت برآیند، زیرا اساساً این عمل، یک کار بی‌فایده و ناشدنی است، اما در مقابل ابن عربی با اتخاذ دیدگاه تصدیق‌گرایی معرفت‌گرا در باب ایمان و عدم جدایی معرفت از ایمان آغاز ایمان را با معرفت همراه می‌داند. ایمان با معرفت پیش می‌رود و در نهایت نیز به معرفتی گسترده و شاید لایتناهی برسد.

نظریه کی‌یر کگور در این باب نه تنها از دیدگاه ابن عربی، بلکه از منظر قریب به اتفاق متفکران مسلمان قابل تردید جدی است و آنان به نقد این نظریه می‌پردازند. اگر چه اندیشمندان اسلامی در باره چگونگی نقش معرفت در ایمان با یکدیگر اختلاف نظر دارند، اما هرگز نمی‌توانند با کسی که به طور کلی به انکار نقش معرفت در ایمان بلکه به ضدیت معرفت و ایمان قائل است، اندک همراهی داشته باشند.

از نکات قابل توجه در اینجا آن است که کی‌یر کگور تا چه هنگام به انکار رابطه ایمان و معرفت می‌پردازد. او پس از تحقق ایمان با پیش فرض‌ها و ویژگی‌های خاص خود، آیا در ادامه هیچ‌گونه پیامد معرفتی برای ایمان قائل نیست، آیا او این جمله مشهور را که «ایمان بیاور تا بفهمی» به طور کلی مردود می‌داند یا به گونه‌ای آن را مورد پذیرش قرار می‌دهد؟ شاید بتوان گفت او با معرفت حاصل از ایمان، پس از تحقق کامل آن، مخالفتی نداشته باشد و شاید به نحوی معرفت را شاهد شیرین درخت ایمان به حساب آورد که اساس و پایه و ماهیت آن همگی بر بی‌معرفتی و ضدیت با معرفت استوار بود، حال چگونه چنین امری شدنی است، جای تأمل جدی دارد!



نتیجه آنکه ایمان از منظر ابن عربی ماهیتی معرفتی و تصدیقی دارد در حالی که از دیدگاه کی‌یرکگور ماهیتی اراده‌ای و تصمیمی دارد که تحمل خطرات و رنج‌ها و شور بیکران را به همراه دارد. از سوی دیگر ابن عربی ایمان واقعی را ایمان قلبی پیش و پس از شهود قلمداد می‌کند گرچه استحکامی خاص برای ایمان پس از شهود قائل است و به این ترتیب ایمان از معرفت و تصدیق ویژه آن جدا نیست و نمی‌تواند جدا باشد، این در حالی است که کی‌یرکگور هرگونه رابطه میان ایمان و معرفت را از اساس منکر است.

آنچه در باره اختلاف نظر ابن عربی و کی‌یرکگور در باب ماهیت ایمان بیان گردید، نباید ما را از دیگر وجوه اختلاف و یا اشتراک میان آن دو دور سازد. در اینجا شاید مناسب باشد به گونه‌ای فهرست‌وار به این مسائل اشاره کنیم و البته تفصیل هر یک این مطالب خود نیازمند نوشته‌هایی مستقل است.

اختلاف نظرهای ابن عربی و کی‌یرکگور در بحث ایمان به دو بخش اختلاف‌های مبنایی و غیر آن تقسیم می‌شود. در بخش اختلاف‌های مبنایی تفاوت و نگرش فلسفی و دینی این دو از اهمیت خاصی برخوردار است. ابن عربی با نگرش فلسفی معرفت‌گرایانه و کی‌یرکگور با نگرش فلسفی شکاکانه به مسئله ایمان می‌نگرند. ابن عربی معرفت را برای انسان کاملاً قابل وصول می‌داند و این در حالی است که کی‌یرکگور برای برون رفت از شکاکیت جهش ایمانی را پیشنهاد می‌کند. بر همین اساس ابن عربی سراسر هستی را از آثار حق بر می‌شمارد و جز هستی او حقیقی قائل نیست و وجود خود را نیز وابستگی مطلق به آن حقیقت هستی قلمداد می‌کند، اما کی‌یرکگور واقعیت و حقیقت را اساساً ذهنی و «انفسی بودن» را حقیقت می‌داند. از این رو بحث متعلقات ایمان نقش اساسی را به ذهنیت انسان می‌دهد.

نگرش دینی ابن عربی و کی‌یرکگور تأثیر شگرف خود را تقریباً در همه مباحث ایمان نمایان ساخته است. ایمان توحیدی و ایمان تثلیثی چیزی نیست که بتوان به سادگی از آن عبور کرد. ضمن آنکه مقایسه‌ای هر چند گذرا میان قرآن و عهدین مؤمنان به آن دو را در موقعیت‌هایی ویژه قرار می‌دهد. گذشته از اختلاف‌های نگرشی تفاوت‌های دیگری نیز میان دیدگاه‌های ابن عربی و کی‌یرکگور وجود دارد که گستردگی مباحث معرفتی در آثار ابن عربی در مقایسه با کی‌یرکگور از آن جمله است. ابن عربی حس، عقل، کشف و شهود، تجلی و وحی را از منابع

معرفتی می‌داند و برای هر یک با بی‌گسترده را گشوده است (ابن عربی، فصوص الحکم، ص ۴۹)، اما در کی‌یر کگور مباحث معرفتی جز به صورت گذرا جایگاهی ندارد. یکی از جهات متمایز در آثار ابن عربی نسبت به کی‌یر کگور تقسیمات گوناگونی است که برای ایمان توسط ابن عربی صورت گرفته است. در یک تقسیم ایمان را به شش قسم تقسیم می‌کند، ایمان تقلیدی، ایمان علمی، ایمان عینی، ایمان حق، ایمان حقیقت و ایمان حقیقتِ حقیقت. او در گستره آثار خود گاه ایمان را به خبری و نظری، گاه به ایمان برهانی و ایمان قلبی و نیز ایمان قلبی را به ایمان قلبی پیش از شهود و ایمان قلبی پس از شهود تقسیم می‌کند. این در حالی است که در آثار کی‌یر کگور از چنین تقسیماتی به ویژه با چنین گستردگی خبری نیست. ارکان ایمان از دیگر وجوه اختلاف است. رکن اساسی ایمان از دیدگاه ابن عربی تصدیق است. تصدیق برخاسته از صدق باطنی، علمی ضروری و نوری الهی است که شخص، مخبر و نبی صادق را تصدیق می‌کند. با بالا رفتن درجات معرفت و عمل مراتب ایمان نیز تفاوت می‌کند. این در حالی است که ارکان ایمان از دیدگاه کی‌یر کگور سه گانه است، خطر کردن، بها و تحمل رنج، اراده و جهش، ارکان سه گانه ایمان را تشکیل می‌دهند که بدون آن ایمانی متصور نیست.

از دیگر تفاوت‌ها، تفاوت دیدگاه ابن عربی و کی‌یر کگور در نوع نگاه این دو به متعلقات ایمان است که ابن عربی نقش برجسته‌ای با توجه به نگاه واقع‌گرایانه برای متعلقات ایمان قائل است. در مقابل، کی‌یر کگور در پی آن است که ایمان بدون متعلق را به تصویر بکشد. عقل و ایمان و رابطه آن با ایمان از دیگر تفاوت‌هاست. عقل از دیدگاه ابن عربی از نوری ویژه برخوردار است و هنگامی که با نور ایمان همراه می‌شود از نورانیتی مضاعف برخوردار می‌گردد که می‌تواند به فهم حقایقی خاص نائل شود؛ اما کی‌یر کگور در اینجا میان عقل و ایمان رابطه‌ای کاملاً ناسازگار را به تصویر می‌کشد.

ایمان‌گرایی به معنای عدم ارتباط میان ایمان و عقل از نظر ابن عربی نادرست است. ایمان‌گرایی به معنای ناسازگاری ایمان و تعقل آن گونه که کی‌یر کگور به آن اعتقاد دارد نیز از دیدگاه ابن عربی قابل پذیرش نیست.

یکی از مسائل جالب توجه در بررسی دیدگاه‌های ابن عربی و کی‌یر کگور نوع استدلال‌هایی است که این دو بر مطلوب خود در بحث ایمان و عقل می‌آورند.

کی یر کگور بر آن است که نباید به سمت و سوی استدلال‌های آفاقی رفت، چرا که اگر خواسته باشیم حقانیت مسیحیت را براساس آنها بنا کنیم تا پس از اثبات حقانیت، ایمان بیاوریم، این کار اولاً ناشدنی است، زیرا نهایت تلاش ما نتیجه‌ای جز ظن و تخمین به حقانیت مسیحیت نخواهد داشت. ثانیاً حقانیت مسیحیت معلق به چنین استدلال‌هایی می‌گردد و در نتیجه ایمان به چنین دینی را به تعویق انداخته‌ایم. ثالثاً بر فرض بتوان با یقین کامل به حقانیت مسیحیت دست یافت نباید چنین کاری را انجام دهیم؛ زیرا در این صورت شورمندی که مهم‌ترین ویژگی ایمان است از دست می‌رود.

از سوی دیگر می‌دانیم که حقانیت دین اسلام برای ابن عربی از یقینات است و بر این اساس ایمان به چنین دینی از ضروریات اولیه به حساب می‌آید. پس از این مرحله سخن در آن است که چگونه می‌توان ایمان را به بالاترین درجه رساند.

#### نقاط مشترک دو دیدگاه

با وجود اختلاف‌های بنیادین میان نظرات ابن عربی و کی یر کگور در بحث ایمان، اما چنین نیست که اصلاً نتوان نقطه مشترکی برای آنها پیدا کرد. به طور خلاصه می‌توان در مسائل زیر نوعی وحدت دیدگاه‌ها و یا حداقل نزدیکی آنها را مشاهده کرد.

#### شدت و ضعف ایمان

چنان که گذشت ابن عربی براساس مبانی خود و نیز تمسک به آیات قرآن قائل به مراتب ایمان است و شدت و ضعف آنها را می‌پذیرد. در همین جا با نگاهی گذرا به آثار کی یر کگور می‌توان ذو مراتب بودن ایمان را از نظر او مسلم دانست، آنجا که او در کتاب ترس و لرز ایمان ابراهیم را در بالاترین حد می‌داند اما در حدی پایین‌تر حرکت نامتناهی تسلیم را مقدور همگان می‌داند (Kierkegaard, p.52).

#### ایمان ورای طور عقل

از نظر ابن عربی ایمان ورای طور عقل است یا به عبارت بهتر ایمان نباید در محدوده عقل متوقف بماند و باید با استفاده از معرفت‌های کشف و شهودی و وحیانی به مراتب بالای ایمانی

دست یابد. البته در اینجا هیچ گونه عقل ستیزی وجود ندارد. همین مطلب البته با رویکرد عقل ستیزانه از سوی کی یر کگور بیان شده است. او ایمان را پایان عقل قلمداد و آن را به مراتب، بالاتر از طور عقل می‌داند، شاید در اینجا از کسانی باشیم که بگوییم نوعی نزدیکی میان دیدگاه‌ها احساس می‌شود.

ایمان راه رسیدن به حقیقت

هر دو اندیشمند مورد بحث ما ایمان را راه رسیدن به حقیقت می‌دانند؛ گرچه حقیقت از نظر آنها اختلافات بنیادین با یکدیگر دارد.

پیامدهای ایمان

چنان که گفتیم ابن عربی پیامدهای ایمان را عمدتاً معرفتی می‌داند که ادراک برخی اسمای الهی، حصول یقین و فرقان و وصول به مقامی ورای طور عقل از آن جمله است و کی یر کگور نیز آثاری معرفتی برای ایمان مانند از بین رفتن شک، رسیدن به ايقان و اطمینان و ادراک کلی هستی با اتکا به نامعقول، قائل است. البته چگونگی جمع میان این گونه آثار با مبانی او هم چنان جای پرسش جدی است و باز در آثار عملی ایمان نیز شباهت‌هایی میان ابن عربی و کی یر کگور مشاهده می‌شود.

آنچه بیان شد اجمالی از وجوه اشتراک و افتراق میان دیدگاه‌های ابن عربی و کی یر کگور در بحث ایمان است، ولی بحث به همین جا خاتمه نمی‌یابد و می‌توان از مباحث دیگری چون رابطه ایمان با فردیت، خودآگاهی و یأس، چگونگی معلق شدن اخلاق توسط دین، چگونگی نقش پیوندی ایمان میان ذهن و عین از دیدگاه کی یر کگور سخن به میان آورد که به علت اختصار از بیان آنها خودداری می‌گردد.

منابع

ابن عربی، محی‌الدین، الفتوحات المکیه، ۴ جلد، بیروت، دار صادر، بی‌تا.  
\_\_\_\_\_، فصوص الحکم، مقدمه ابوالعلاء عقیفی، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۴۲۳ق.

- ابن فارس، مقاييس اللغة، تحقيق عبدالسلام محمد هارون، ٦ جلد، قم، مكتب الاعلام الاسلامي، ١٤٠٤ ق.
- ابن منظور، لسان العرب، ١٥ جلد، بيروت، دارصادر، ١٤١٤ ق.
- ازهرى، محمد، تهذيب اللغة، ج ١٥، قاهره، الدار المصريه، ١٣٨٧ ق.
- اشعري، ابوالحسن، اللمع فى الرد على اهل الزيغ والبدع، با ويرايش ريجارد مكارتي، ج ١، بيروت، مطبعة الكاتولييه، ١٩٥٢.
- \_\_\_\_\_، مقالات الاسلاميين و اختلافات المصلين، تحقيق هلموت ريتسو، ج ٣، انجمن مستشرقان آلماني، ١٩٨٠.
- راغب اصفهاني، حسين بن محمد، المفردات فى غريب القرآن، دفتر نشر الكتاب، ١٤٠٤ ق.
- بحراني، ابن ميثم، قواعد المرام فى علم الكلام، قم، چاپخانه مهر، ١٣٩٨ ق.
- بغدادى، عبدالقاهر، الفرق بين الفرق الناجيه، بيروت، دارالآفاق الجديده، ١٩٧٧.
- پترسون، مايكل و ديگران، عقل و اعتقاد دينى، ترجمه ابراهيم سلطاني و احمد نراقى، تهران، طرح نو، ١٣٧٦.
- تفتازانى، سعدالدين، شرح المقاصد، قم، منشورات الشريف الرضى، ١٤٠٩ ق.
- جبعى عاملى، زين الدين، حقايق الايمان، قم، مكتبة آية الله العظمى المرعشى النجفى، العاصر، ١٤٠٩ ق.
- جرجانى، ميرسيدشريف على بن محمد، شرح المواقف، ٨ جلد، قم، منشورات الشريف رضى، ١٣٧٠.
- جمعى از نويسندگان، (محسن جوادى و ديگران)، جستارهايى در كلام جديد، قم، سمت، ١٣٨١.
- جوهرى، اسماعيل، صحاح اللغة، ج ٥، بيروت، دارالعلم، بى تا.
- حلى، حسن بن يوسف، انوار الملكوت فى شرح الياقوت، الطبعة الثانية، قم انتشارات الرضى، ١٣٦٣.
- خليل بن احمد، العين، ج ٨، قم، دارالهجره، بى تا.
- خوارزمى، تاج الدين، شرح فصوص الحكم، به اهتمام نجيب مايل هروى، تهران، مولى، ١٣٦٣.

- رضایی، مهران، "ایمان مسیحی، سررشته تفکرات جدید"، بازتاب اندیشه، شماره ۱۳۸۰.
- سیوری حلی، جمال الدین مقداد بن عبدالله (فاضل مقداد)، ارشاد الطالبین الی نهج المسترشدين، تحقیق سیدمهدی الرجائی، قم، مکتبه آیه الله مرعشی العامه، ۱۴۰۵ق.
- شهرستانی، عبدالکریم، الملل والنحل، بیروت، دارالسرور، ۱۳۶۸.
- شیرازی، صدرالدین، الحکمة المتعالیه، ج ۲، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۱.
- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تحقیق سیداحمد حسینی، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۵.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۶ق.
- \_\_\_\_\_، التبیان، ایران، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۹ق.
- \_\_\_\_\_، الرسائل العشر، قم، مؤسسه نشر اسلامی، بی تا.
- \_\_\_\_\_، تمهید الاصول، تصحیح مشکوة الدینی عبدالحسین، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۲.
- علم الهدی، علی بن الحسین، الذخیره فی علم الکلام، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۱ق.
- فرغانی، سعیدالدین، مشارق الدراری، تعلیق سیدجلال الدین آشتیانی، مشهد، دانشگاه فردوسی، بی تا.
- فعالی، محمدتقی، ایمان دینی در اسلام و مسیحیت، تهران، کانون اندیشه جوان، ۱۳۷۸.
- کیویت، دان، دریای ایمان، حسن کامشاد، تهران، طرح نو، ۱۳۷۶.
- کی یر کگور، سورن، ترس و لرز، ترجمه سیدمحسن فاطمی، تهران، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴.
- لاهیجی، عبدالرزاق، سرمایه ایمان، مصحح صادق لاریجانی، تهران، الزهراء، ۱۴۰۹ق.
- لگنهاوزن، محمد، «ایمان گرای» ترجمه سید محمود موسوی، مجله نقد و نظر، سال اول، ۱۳۷۴.
- لی اندرسون، سوزان، فلسفه کی یر کگور، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران، طرح نو، ۱۳۸۵.
- معتزلی، عبدالجبار، تعلیق احمد بن الحسین بن ابی هاشم، شرح الاصول الخمسه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
- معلوف، لوئیس، المنجد، قم، نشر بلاغت، ۱۳۷۴.

Geivett -Sweetman B.ed. Contemporary Perspectives on Religious Epistemology,

Oxford University Press, 1992.

Edwards.p. Ed. The Encyclopedia of Philosophy, Faith Hick, John, Macmillan

. Publishing, New York,1972

Kierkegaard, Soren, Fear and Trembling - Repetition, Howard V. Hong and Edna

. H.Hong, Princeton University Press, U.S.A .1983

New York,1990 ,Catholic Encyclopedia , Fideism Sauvage, G.M

